آبیار: اکران آنلاین «خروج» شجاعانه بود

اکران آنلاین فیلم‌های سینمایی تجربه جدید و متفاوتی در سینمای ایران محسوب می‌شود که ابراهیم حاتمی‌کیا با فیلم «خروج» پیشگام آن بود.
آن‌طور که ایسنا گزارش می‌دهد، این فیلمساز درباره اکران آنلاین فیلم خروج گفت: معتقدم ابراهیم حاتمی‌کیا این شجاعت را داشته که در حوزه نمایش آنلاین آثار پیشگام باشد و در شرایط فعلی اثرش را وارد چرخه نمایش آنلاین کند و کار این کارگردان بسیار قابل ستایش است؛ چراکه ما باید به شکلی به سمت این مسیر حرکت می‌کردیم. او افزود: قطعا وقتی یک اثر فرهنگی تولید می‌شود چه بهتر که بتوانیم شرایطی مهیا کنیم که در زمان مناسب مخاطب از آن بهره‌مند شود. آبیار با بیان این‌که در اکران آنلاین اعضای یک خانواده می‌توانند در کنار هم به تماشای اثر بنشینند، گفت: طبیعتا نمایش آنلاین خروج قدم بزرگی در این مسیر به شمار می‌رود و قطعا نمایش آنلاین این فیلم باعث ایجاد تغییراتی در نمایش فیلم‌ها در ایران خواهد شد.

مروری بر زندگی و کارنامه حرفه‌ای مجید مجیدی به بهانه فرا رسیدن سالروز تولد او

به رنگ آسمان

سانازقنبری
سینما

از آن کمونیست ناامید در فیلم «بایکوت»، شهید اندرزگو در فیلم «تیرباران» و آن معلم توده‌ای در «دو چشم بی‌سو» تا بعدها که انگار ما ها همه بچه‌های آسمان او بودیم، مجید مجیدی به بلندای سینمای ایران ایستاده و متوقف نشده است. این قصه‌ها البته فقط برای ما ایرانی‌ها روایت نشده و مجیدی از همان نخستین فیلمی که کارگردانی کرد همواره مورد توجه سینمای جهان هم بوده است. «پدر»ش در سال ۱۹۹۶ در جشنواره‌های جهانی سر و صدا به پا کرد و سال بعد از آن با «بچه‌های آسمان» تا یک قدمی اسکار هم رفت و چه بسا اگر آن سال اهالی اسکار جایزه‌شان را به مجیدی می‌دادند سبک تازه‌ای از فیلمسازی در سینمای جهان فراگیر می‌شد؛ سبکی که سینمای ایران آن را به جهان صادر می‌کرد. البته ده سالی است که دیگر مجیدی، کمتر چشم به جشنواره‌های بین‌المللی دارد و در نوع نگاهش در صدور معناهای بومی به دیگر نقاط جهان، تغییر و تحولی ایجاد کرده است. امروز، فیلمساز خاطره‌ساز ما دهه شصت و هفتادی‌ها، ۶۱ ساله می‌شود و ما به همین بهانه کارنامه او را مرور کرده‌ایم.

در دل یک خانواده مذهبی

۱

مجیدی در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد و تمام دوران کودکی‌اش را در محله سر پل امامزاده معصوم (در خیابان قزوین بین گمرک و سه راه آذری) گذراند. مادرش زنی متدین بود و با تاکید او بود که مجیدی شروع به یادگیری قرآن کرد.
کمااین‌که خود او هم در مصاحبه ای در کتاب «در قلمرو دیدار» (گفت و گوی رضا درستکار با مجیدی) می گوید: «مادرم خیلی بیشتر از پدرم مذهبی بود، آموزش و تربیت اصول مذهبی در خانواده ما اهمیت زیادی داشت، از این رو در آستانه ۹ سالگی، من را به یادگیری قرآن تشویق کرد و با ثبت نام در مسجد محل باعث شد من روخوانی قرآن را فرا بگیرم، این یک نقطه عطف و پشتوانه بزرگی برای من در زندگی شد».

نفس‌های اول یک ستاره

۲

ذوق و استعداد مجیدی از همان دوران کودکی او را به سمت هنر کشاند. آن روزها در محله سر پل امامزاده معصوم دو سینما به نام‌های «لیدون» و «تیسفون» وجود داشت که مجیدی گاهی همراه با پدرش برای دیدن فیلم‌های سینمایی به آنجا می‌رفت.
علاقه او به فیلم و سریال به حدی زیاد بود که پدرش یک تلویزیون قسطی خرید و مجیدی از همان ایام بود که کم کم فعالیت‌هایش را در عرصه تئاتر آغاز کرد تا این‌که در سال ۵۷ به دانشکده هنرهای زیبا رفت، اما انقلاب فرهنگی او را در آن روزها از تحصیل باز نگه داشت.
اما این اتفاق باعث نشد که او فعالیت‌هایش را متوقف کند. اولین اجرای او در تئاتر شهر تهران، نقشی در نمایش «نهضت حروفیه» به کارگردانی داوود دانشور بود. مجیدی خود با اشاره به فعالیت‌هایش در اوایل انقلاب می گوید: «اولین تئاتر انقلاب را ما به روی صحنه بردیم، کاری به کارگردانی شهید حسین قشقایی که در مبارزات خیابانی در میدان انقلاب شهید شد. شهید حسین قشقایی از اساتید ما بود و ایشان شهید ارزشمندی بود که منشا تحولات بسیاری در دیگران و از جمله خود من شد».
در همان سال‌های نخست انقلاب اسلامی بود که مجیدی در چند نمایش دیگر بازی کرد و چند نمایش برای کودکان به صحنه برد و شاید بتوان گفت از همان نخستین روزهای فعالیت حرفه‌ای‌اش دغدغه‌مندی‌اش را برای پرداخت به مشکلات و مسائل کودکان و نوجوانان نشان داد.

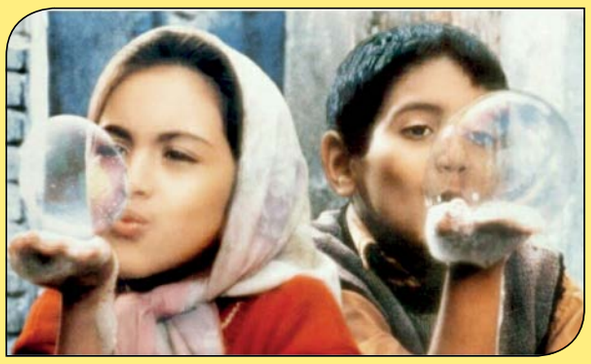

کجا موفق بوده؟

۳

شاید با سنگ محک امروزی، مجیدی در فیلم «بدوک» (۱۳۷۰) نمره متوسطی بگیرد، اما طبق معیارها و امکانات آن زمان «بدوک» یک فیلم شایسته و درخور تحسین است.
او که برای «بدوک» برنده دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه از دهمین دوره جشنواره فجر شد، ۴ سال بعد از آن «پدر» و ۵ سال بعدش فیلم کم نظیر «بچه‌های آسمان» را ساخت. «بچه‌های آسمان» به عنوان یکی از پنج نامزد بهترین فیلم خارجی زبان اسکار ۱۹۸۸ برگزیده شد و همین شد که تا پایان سال ۲۰۰۶ میلادی، مجیدی تنها کارگردان ایرانی بود که فیلمی از او نامزد دریافت جایزه اسکار شد. اتفاقی که برای سینمای آن روزهای ایران شگفتی آفرین بود.

افتخارآفرینی‌های بیشمار مجیدی به روایت ارقام

کل جوایز (دیپلم افتخار و سیمرغ) از جشنواره فیلم فجر	کل جوایز بین‌المللی	سابقه بازیگری	سابقه نویسندگی و کارگردانی	سابقه مستندسازی
۱۶	۳۰	۹	۱۸	۴

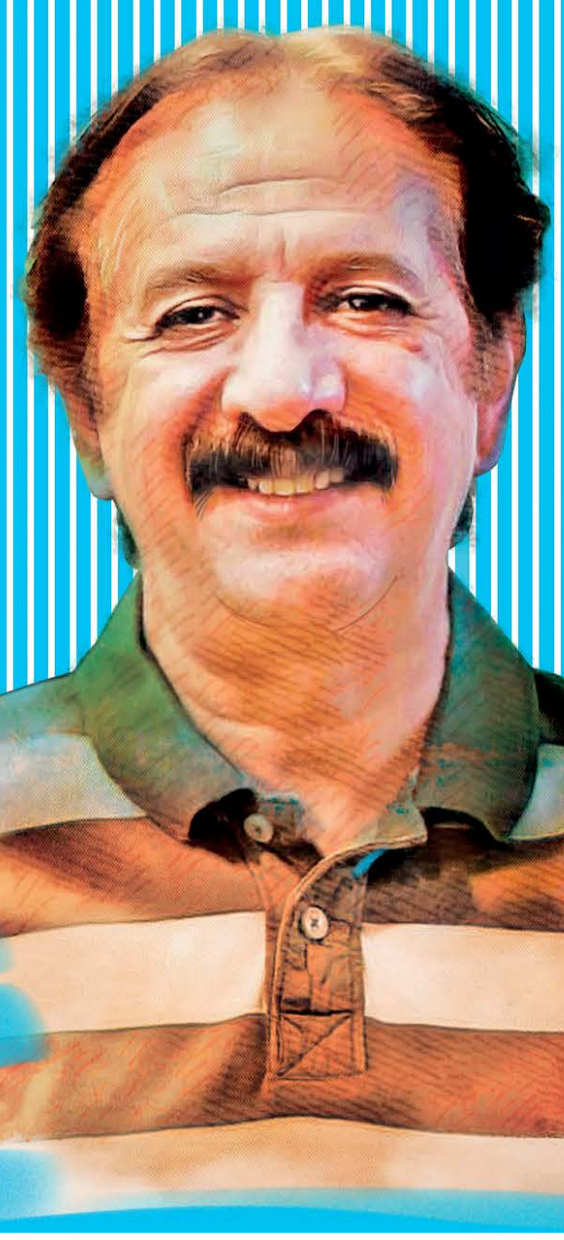

طراح: احسان نجفی

پروفسور افتخاری

در آبان ۹۷ بزرگ‌ترین آکادمی فیلمسازی آسیا در پکن عنوان پروفسور افتخاری این آکادمی را به مجید مجیدی، کارگردان سرشناس ایرانی اهدا کرد

از خواستن تا توانستن

۴

بعد از آن مجید مجیدی روی دور افتخارآفرینی برای سینمای ایران افتاد و شاید بتوان راز موفقیت‌های پی در پی او را باانگیزه و فعال بودن اش دانست. او با ساخت فیلم‌هایش یکی پس از دیگری سعی می کرد به زندگی واقعی آدم‌ها نزدیک شود؛ آدم‌هایی از اقشار فرودست جامعه که اتفاقا خود او تسلط بیشتری بر لایه‌های زیرین زندگی شان داشت. او با درخشش در فیلم‌های «رنگ خدا» (۱۳۷۷)، باران (۱۳۷۹)، بیدمجنون (۱۳۸۳)، «آواز گنجشک‌ها» (۱۳۸۶) و «محمد رسول ا...» (۱۳۸۶-۱۳۹۴) کاملا به کارگردانی طراز اول و جهانی تبدیل شد؛ کارگردانی که برایش مسائل بچه‌هایی با خاستگاه اجتماعی ضعیف مهم بود.

افول و درخششی دوباره

۵

موفقیت‌های مجیدی اما، به چند دلیل عمده در فیلم «آن‌سوی ابرها» به بار ننشست. مجیدی در سال ۱۳۹۵ اولین فیلم خارجی خود را در هند به نام «آن‌سوی ابرها» با بازیگران این کشور ساخت، اما این فیلم در گیشه آنچنان زمین خورد که فاجعه ای بزرگ در کارنامه حرفه ای مجیدی محسوب می‌شود، اما مجیدی در آن فاجعه نماند و خیلی زود از تبعات آن بیرون آمد.
«خورشید» آخرین ساخته مجید مجیدی اثری است در راستای موفقیت‌های سال‌های دور مجیدی. این فیلم که در جشنواره فیلم فجر گذشته بازخوردهای مثبتی از سوی منتقدان و مردم به همراه داشت به کودکان روحیه خودباوری را تزریق می کرد؛ کودکان کاری که همه ما هر روز در کوچه و خیابان به وفور آنها را می‌بینیم و در معرض درخواست‌های بی امانشان برای خرید کالا یا گل یا پاک کردن شیشه ماشین مان هستیم. رنج کودکان، ویژگی شاخصی بود که در «بچه‌های آسمان» و «آواز گنجشک‌ها» به اوج خود رسید و پس از سال‌ها بار دیگر در «خورشید» متبلور شد.

دوستی سینما و ادبیات

در اغلب فیلم هایی که مجیدی ساخته می توان رد پای ادبیات کلاسیک ایران را جست و جو کرد. او هم ادبیات کلاسیک را خوب می شناسد و هم عرفان ایرانی را. به همین دلیل هم می توان گفت این کارگردان در آثارش عرفان ایرانی را به روز کرده و مدرن تحویل می دهد. خوب نمادسازی می کند و خوب هم آن را در صحنه می پرورد.
نگاه های مولانا، عطار و سایر بزرگان ادبیات عرفان ایرانی به جهان پیرامون انسان را امروزی کرده و در شکلی قابل درک برای انسان قرن بیست و یکم ارائه می کند. ضمن اینکه در همین مسیر نگاه هایی کاملا انسانی دارد و همین نگاه ها از آثارش فیلم هایی می سازد که مورد پسند خیلی هاست، آن هم نه فقط در سطح ایران که در جهان. انسان مجیدی فقط انسان ایرانی نیست و مخاطب در هر جای دنیا می تواند با او همذات پنداری کرده و بخش هایی از وجود خود را در او می یابد.
جالب است که در همین مسیر می بینیم طبیعت هم در آثار او جایگاه پررنگی دارد، مجیدی متولد گیلان است و می توان نگاه واکاونه او را به طبیعت ناشی از همین تاثیر جغرافیایی هم دانست، اما مسئله این کارگردان و طبیعت قدمی فراتر می رود و دریا و کوه و رودخانه ها می شوند شخصیت هایی جاندار که می خواهند با بیننده خود حرف بزنند و پیامی را منتقل کنند، این دقیقا همان ویژگی ای است که ادبیات عرفانی ایران هم در خود دارد و به جای مستقیم گویی با نمادسازی و اشارات مخاطب را همراه می کند.

اولین قدم در معرفی پیامبر اسلام

در سال ۱۹۷۶ میلادی مصطفی عقاد، فیلمی درباره پیامبر اسلام ساخت که کمتر کسی در ایران است که آن را ندیده باشد و سالها بعد از آن، مجید مجیدی یک پروژه ملی و به نام پیامبر ساخت با نام «محمد رسول ا...». البته مجیدی بارها تاکید کرد که فیلم او با فیلم مصطفی عقاد کاملا متفاوت است. چراکه فیلم مجیدی به دوران کودکی پیامبر می پرداخت. این فیلم که در گونه تاریخی ساخته شد به داستان زندگی کودکی حضرت محمد (ص) در سده ششم میلادی از دوران جاهلیت و شرایط اجتماعی زمان تولد محمد می پردازد و در ۱۲ سالگی ایشان فیلم به پایان می رسد. «محمد رسول الله» ساخته مجید مجیدی از بزرگترین و پرهزینه‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران است و از این جهت که اولین قدم جدی سینمای ایران در زمینه معرفی پیامبر اعظم (ص) به شمار می آید، شایسته تحسین است.